

سینما به روایت ژان پییر میلویل

گفت‌وگویی از روی دو کی‌یرا

www.ketab.ir

مترجم: آرش آذرپور

انتشارات نظام الملک

سرشناسه: ملویل، ژان-پیر، ۱۹۱۷-۱۹۷۳ م.

Melville, Jean-Pierre, ۱۹۱۷-۱۹۷۳

عنوان و نام پدیدآور: سینما به روایت ژان پییر ملویل/گفت و گو از روی نوگی‌پرا؛ مترجم آرش آذریور؛ ویرایش مهرداد ملایی‌فر.

مشخصات نشر: تهران: نظام الملک، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۸۴ص: مصور.

شابک: ۳-۶۵-۸۴۵۵-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Le cinema selon Jean-Pierre Melville : entretien avec Rui Nogueira, ۲۰۲۱.

موضوع: ملویل، ژان-پیر، ۱۹۱۷-۱۹۷۳ م. -- مصاحبه‌ها

Interviews -- Melville, Jean-Pierre, ۱۹۱۷-۱۹۷۳ -- مصاحبه‌ها

موضوع: سینما -- فرانسه -- تهیه‌کنندگان و کارگردانان -- مصاحبه‌ها

Motion picture producers and directors -- France -- Interviews

شناسه افزوده: نوگوترا، روی، ۱۹۳۸-م.

شناسه افزوده: Nogueira, Rui, ۱۹۳۸-

شناسه افزوده: آذریور، آرش، ۱۳۴۲ - مترجم

رده بندی کنگره: PN۱۹۹۸/۳

رده بندی دیویی: ۷۹۱/۴۳۶۲۳۴۱۲

شماره کتابشناسی: ۸۵۶۰۱۶۴

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

انتشارات نظام الملک



سینما به روایت ژان پییر ملویل

گفت و گویی از روی نوگی‌پرا

مترجم: آرش آذریور

ویرایش: مهرداد ملایی‌فر

چاپ و صحافی: قشقایی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

شابک: ۳-۶۵-۸۴۵۵-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰

شمارگان: ۵۰۰-نسخه

قیمت: ۷۵۰,۰۰۰ ریال

دفتر انتشارات: ۱۶۰ ۶۶۴۰۰

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از سه راه ملک، بن بست نوریان، پلاک

یک، واحدشش

فهرست :

مقدمه ژان پییر ملویل (۱۹۷۱) | ۶

مقدمه روی نوگی بیرا (۱۹۷۳) | ۱۰

تملن، تملن | ۱۴

گناه کبیره‌ی من | بیست و چهار ساعت از زندگی یک دلقک | ۲۴

سکو تعریبا | ۲۸

کو دکان و حشمتاک | ۴۴

وقتی این نامه را بخوانی | ۵۴

بوب قمارباز | ۶۰

دومرد در منهن | ۷۲

لئون مورن کشیش | ۸۴

کلاره | ۹۸

ارشد خانوادۀ فرشو | ۱۱۰

نفس دوم | ۱۲۲

سامو رایبی | ۱۳۴

ارتش سایه‌ها | ۱۴۸

دابیره‌سرخ | ۱۶۰

بیادداشتی از فیلیپ لاپرو | ۱۷۶

بیادداشتی از روی نوگی بیرا | ۱۸۳

از من خواسته‌اید که نظرم را درباره این کتاب (لااقل آنچه از آن را خوانده‌ام) در قالب مقدمه‌ای شرح دهم. اما چنین مقدمه‌ای لاجرم تبدیل به موخره‌ای در دیباچه کتاب خواهد شد. راستش گمان می‌کنم ارائه نظری جامع درباره بیست و پنج سال کار حرفه‌ای من نیاز به زمان بیشتری دارد. به خاطر دارم که جان کوکتو (چنان که به من می‌گفت) نیز بر این عقیده بود که پس از مرگش نگاه به او و آثارش متفاوت از زمان حیاتش خواهد بود. اما گذر چنین زمانی می‌تواند مشکل ساز نیز باشد چرا که تعداد فیلم‌های ساخته شده بسیار زیاد است. درست است که طی سی سال اخیر در سینمای آمریکا، یک چهارم گذشته نیز فیلم تولید نشده، اما با این حال این فکر دیوانه‌کننده است که سالانه کم و بیش هزار فیلم ساخته می‌شود که به مرور زمان آثار گذشته را کم‌رنگ می‌کنند و برخی از آن‌ها را به کل به دست فراموشی می‌سپارد. اما به راستی دست آخر در میان این انبوه تولیدات، جایگاه من کجاست؟ در نهایت اهمیت چندانی نیز ندارد. باید طوری وانمود کرد که انگار ...

بسیار مایه خرسندیم شد که در کتاب سی سال سینمای آمریکا (کتابی از ژان پییر کورسودون و برتران تاورنیه به سال ۱۹۷۰ که با نام پنجاه سال سینمای آمریکا ۱۹۵۵ تجدید چاپ شد) مولفان از سینمای باب میل من حرف زده‌اند گمان می‌کنم من آخرین شاهد زنده سینمای پیش از جنگ جهانی دوم در فرانسه باشم. پس از مرگ من، دیگر کسی با حافظه تاریخی من نخواهد بود که فیلم‌های دوره ما را به یاد آورد تا جایگاهی که شایسته‌اند را به آن‌ها ببخشد. فیلمی که مخاطب امروز در یک عصر یا شب آرام در سینماتک می‌بیند همانی نیست که در آوریل ۱۹۳۴ بیرون آمده و بین مارس و می آن سال ساخته شده. مخاطب امروز با زمینه ساخت آن فیلم آشنا نیست.

من تا به حال از ارزش بالایی بسیاری آثار سخن گفته‌ام. اما آیا می‌توان فیلم‌های خود من را هم‌سنگ آن‌ها دانست؟ باور کنید این را از سر نوعی فروتنی کاذب نمی‌گویم اما من جواب این سوال را نمی‌دانم. در واقع هیچکس نمی‌داند. پاسخ این سوال پنجاه سال دیگر مشخص خواهد شد که دیگر اسطوره‌های سینما را سلیقه هناری لا‌تنگلوا مشخص نکند؛ روزی که اسطوره‌های حقیقی تاریخ سینما بالاخره جایگاه به حق خویش را یافته باشند. آن روز می‌توان نظر قطعی راجع به ارزش آثار من داد. انتخاب‌های لا‌تنگلوا شخصی، مد روز و جهت دار هستند. از همین روست که به آن‌ها

شک دارم و آن‌ها را نمی‌پذیرم. البته من قدردان فعالیت‌های لانگولا هستم و ایده بدیع سینماتیک که با همکاری فرانزو به اجرا درآمد را می‌ستایم اما سلیقه سینمایی او باب طبع من نیست.

در نظر دارم در این مقدمه از ویژگی‌های اساسی یک خالق سینمایی بنویسم. به نظر من یک خالق سینمایی، بایستی در همه حال آماده باشد و نسبت به پیرامونش حساسیتی شکننده داشته باشد. او مشاهده‌گری تیزبین و آگاه به ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های روانی است. او همچنین باید بینایی، شنوایی و البته حافظه‌ای قوی‌تر از دیگر افراد جامعه داشته باشد. اهمیت حافظه در این میان پررنگ است. آنچه در فیلم‌های من اغلب تعبیر به تخیلی خلاق شده، بازتاب خاطرات من است. در واقع فیلم‌های من ثمره خاطراتی است که در ذهن دارم؛ از یک پیاده روی ساده در خیابان و یا از رویدادی که در آن حاضر بوده‌ام. البته این رویدادها همیشه با شکلی متفاوت در آثارم بازتاب پیدا کرده است چون دوست ندارم هر چه را در زندگی بر من گذشته بی‌واسطه به تصویر بکشم.

خالق سینمایی، شاهد زمانه خودش است. پنجاه سال دیگر که به مناسبت بزرگداشتی در سه روز مجموعه فیلم‌های مرا در سالی به نمایش می‌گذارند، تماشاگر باید بتواند خصیصه‌ای مشترک میان اولین و آخرین فیلم من بیابد. تفاوتی ندارد که این شباهت از چه جنسی باشد. می‌تواند نوع زبان آن باشد و یا سبک‌های مهم این است که از پس هر قصه بتوان چهره یکتای یک مولف و یک انسان را دید. با جهان و رنگ‌های مخصوص به خودش. به نظر من مشاهده تغییرات بنیادین دفعی در شیوه روایت یک مؤلف غم‌انگیز است. چنین تغییراتی نشان از این دارد که به هر حال یکی از این دو شکل روایت، شیوه مناسبی نبوده. شباهت بین فیلم اول و آخر یک سینماگر ضروری است. نمی‌دانم که من در انجام این مهم توفیق داشته‌ام یا نه اما به هر حال در نگاه من، سینماگر ایده‌آل کسی است که توانسته باشد اثری شاخص تولید کند. در این میان باید اضافه کنم که استفاده من از واژه خالق سینمایی به جای کارگردان و یا مؤلف، از این روست که در زبان ما واژه دقیقی برای اطلاق به ما (یا لاقلاً آن چه من تلاش کرده‌ام باشم، نویسنده و سازنده توامان) وجود ندارد. به هر حال مراد از شاخص بودن اثر، کیفیت و یا ارزش اخلاقی آن نیست. منظور بی‌نقص و یا عالی بودن همه آثار یک سینماگر نیست. اثر شاخص در نگاه من اثری است که بتواند به سادگی جهان شخصی سینماگر را بازتاب دهد و به اختصار بگوید او که بوده و چه کرده.